

اثر نگاه ملی بر فرهنگ چیست؟

# لطفا جای دورین را عوض کنید



هندی می‌گوید: گور پدر زبان اردو. من که می‌توانم شکسپیر بخوانم چرا باید همراه با این زبان اردو بمانم؟! اصلا زبانم را انگلیسی می‌کنم.

## تمامیت ارضی با گذشتن از جان

آنجا که محمد تقی خان پسیان می‌گوید: «من ایران و ایرانی را نه فقط دوست داشته بلکه پرستش می‌کنم... مرا اگر بکشند، قطرات خونم کلمه ایران را ترسیم خواهد کرد و اگر بسوزانند، خاکسترم نام وطن را تشکیل خواهد داد. قدمی برخلاف رضای خدا و صلاح مملکت برنداشتم... به تصدیق دوست‌دشمن عفت و شرافت سربازی را همیشه محفوظ داشته‌ام... من نخستین فردی هستم که حساب و جوه در یافتن ایام تصدی خود را به میل و رضای خاطر خود پس داده و از بودجه مصوبه ایالتی فقط آن مقدار که خرج آوردم که استحقاقش را داشتم و برای پرداخت مستمری‌های فقرا و ضعفا لازم و واجب بود، برای اولین دفعه اعانه‌ای که برای قشون گرفته می‌شد به همان مصرف خودش رسانده.»

حفظ تمامیت ارضی یکی از نقاط اتکای هر ایرانی است. ایرانیان به شدت نسبت به هر جریانی که بخواهد تمامیت خاک و مرز ایران را خدشه‌دار کند، به شدت حساس هستند و با واکنش مواجه خواهد شد. علیرضا دولتشاهی، مترجم و پژوهشگر در مفهوم تمامیت ارضی گفته است: «آنچه ضامن حفظ تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود در گرو نزدیکی و همدلی تمام شهروندان ایران است. ایران سرزمینی نیست که از «ملت‌ها» یا به تعبیر گروهی از «خلق‌ها» شکل گرفته باشد. هم‌ریشگی مردم در گستره جغرافیایی را که ایران می‌نامیم «مطالعات زبان‌شناختی» آشکار می‌کند. از این رو «زبان فارسی» در معنای «نخ تسبیحی» است که این گروه‌های ایرانی را در زیر آسمان «ایران‌زمین» گرد هم آورده و بی‌شک همچنان گرد هم خواهد آورد. حفظ تداوم یکپارچگی ارضی ایران در درک درست از مفهوم «ایرانی» و یا به تعبیری «ایرانی بودن» است. بی‌شک باور به اصل «برابری میان تمام ایرانیان» به تداوم حفظ یکپارچگی واحد سیاسی مستقلی به نام «ایران» می‌انجامد. تاریخ زخم خورده این سرزمین سراسر پایبندی، گواه جاتفشانی و جانسیاری مردان و زنانی است که همواره در رویاروی دشمنان از پای ننشسته‌اند تانسان سربلندی را بر تارک این خاک بنشانند. مثالی در ادبیات فارسی‌مان وجود دارد که ایران را به ققنوس تشبیه می‌کنند که در طول تاریخ بارها و بارها از خاکستر خویش برخاسته تا تمامیت استقلال و فرهنگ خود را در طول سده‌ها حفظ و از آن دفاع کند.

طلب استمداد از آنها برای آنکه به یاری هم بشتابند، از سعدی و شعر معروف «بنی آدم اعضای یکدیگرند، مثال می‌آورد و یادآور می‌شود همچنان که یک عضو بدن آدمی وقتی به درد می‌آید، دیگر عضوها را نیز قرار نمی‌ماند، از آنان می‌خواهد از محنت و رنج دیگران بی‌غم و سرخوش نباشند که در غیر این صورت انسانیت خود را از دست داده‌اند.

قرار است در این بخش از مفهوم هويت ملي بگوئيم، یکی از مصادیق هويت ملي، زبان آن ملت است. زبان فارسی در جغرافیای فرهنگی ایران به عنوان یکی از موثرترین و پرنفوذترین عناصر بین اقوام ایرانی است. فارسی با قدمتی طولانی و داشتن ادبیاتی غنی، به عنوان یکی از زبان‌های زنده و مهم در جهان امروز است.

زبان فارسی جزء چند زبان کلاسیک دنیاست که از هر سه دوره زمانی باستان، میانه و جدید آثار مکتوب دارد. البته این زبان نیز مثل هر زبان دیگری همواره در معرض تغییر و تحول بوده و خواهد بود. علاوه بر این دارای گونه‌های مختلفی است که اکنون در داخل و خارج از ایران با آنها تکلم می‌شود. در داخل گونه‌هایی مثل خراسانی، اصفهانی، شیرازی و جزء آن و در خارج از کشور گونه‌ای که با عنوان دری در افغانستان صحبت می‌شود و نیز گونه تاجیکستان.

در میان شاعران هم بسیاری کسانی که زبان فارسی برایشان مهم بود و سعی داشتند مانند شاعران و نویسندگان قبل خودشان این زبان را حفظ کنند. میان اهالی ادبیات معروف است که اخوان و شاملو، دو تن از پیروان نیما بودند که هر دو به زبان قرن چهار و پنج ادبیات فارسی بازگشتند، با این تفاوت که زبان شاملو به نثر آهنگین تاریخ بی‌بیهی نزدیک است اما زبان اخوان به شاهنام فردوسی.

شفیعی کدکنی، استاد و شاعر معروف کشورمان خاطره‌ای دارد از لزوم حفظ زبان فارسی که می‌گوید: «من هنگامی که در آکسفورد بودم، نسخه‌های خطی فراوانی را می‌دیدم و یادداشت برداری می‌کردم. یکی از این جُنگ‌ها بسیار جالب بود. یکی از اعضای کمیته هند شرقی، همچون بیدل شعر گفته بود. بیدل که منظومه‌ای است بسیار منسجم با کدهای هنری فراوان که هر ذهنی نمی‌تواند آن نشانه‌ها را در code in کند و دریابد. اما همین افراد، هنگامی که مسلط شدند، گفتند: گور پدر زبان فارسی! بیا بیا و اردو را که یک زبان محلی است، بگیرد و بزرگش کنید. می‌دانستند زبان فارسی؛ شاهنامه، مثنوی، سعدی و حافظ و نظامی دارد و می‌تواند با شکسپیر، کشتی بگیرد. اما زبان اردو نمی‌تواند با شکسپیر کشتی بگیرد. در نتیجه چنین سیاستی بچه

## احترام به تمام اقوام ایرانی

ذات و خمیرمایه وحدت ملی ایران را باید در هويت نسبتا یکسان، همگرایی و هم‌نوایی هويت‌های متعدد اقوام ایرانی تعريف کرد. در حقیقت هويت قومی و ملی دو مولفه اساسی در شا کله هويت ایرانیان امروز محسوب می‌شوند. مهم‌تر آنکه به لحاظ هم‌نشینی تاریخی و طولانی مدت این دو منبع هويت بخش در جامعه ایران و علی‌رغم قوت هر دو این منابع، تعارضی وجود ندارد. هويت ایران در سایه احترام و پذیرش تمام اقوام ساکن در خاک ایران تعريف می‌شود. رنگارنگی آداب، رسوم و گویش‌هاست که ایران ما را ساخته است. حذف یکی یا نادیده گرفتن بخشی از ایران به معنای عدم فهم نسبت به هويت اصیل ایرانی است. در سیاست‌گذاری‌های فرهنگ باید نمایش همه عناصر زیست جامعه ایران را به عنوان هدف اصلی تولید محتوا در عرصه هنری لحاظ کرد. توجه به مقوله توسعه تعاملات فرهنگی بین اقوام ایرانی از این جهت ارزشمند است که هر چند گرانش‌های سیاسی میان اقوام ایرانی می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد، اما تقویت گرایش‌های فرهنگی و حتی اجتماعی میان اقوام باعث تقویت و انسجام هويت ملی خواهد شد. این گزاره تکراری و اعتراضی در تمام این سال‌ها بارها تکرار شده که ایران فقط تهران نیست و برای بازیابی و شناخت دقیق ایران باید به تمام بخش‌های این خاک بزرگ رجوع کرد. رجوع سینمای ایران به جغرافیای رنگارنگ این خطه برقصه، نه تنها ضرورتی برای نمایش و معرفی اقوام ایرانی است، بلکه ضامن حیات و قوت یافتن خود سینمای ملی است. فیلمسازان با بردن دوربین به نقاط مختلف ایران می‌توانند قصه‌ها و روایت‌هایی بکر از گنج‌نامه شهرهای ایران بیرون بکشند.

## زبان مصداق هويت

شاید برای شروع همین خوب باشد که بگویم فقط در قرن نوزدهم گلستان سعدی بیش از ۶۰ بار ترجمه و هر بار تجدید چاپ شده است. وقتی کلامی نافذ و اثرگذار باشد و روان آدمی را به چالش بگیرد و حسبی بهتر به او ببخشد، می‌تواند بعد از ۷۰۰ سال همچنان زنده و پویا به حیات خویش ادامه دهد. کلام و نثر سعدی نیز چنین ویژگی‌ای دارد؛ چرا که چکیده‌ای از تجارب زیست و زندگی خود را در قالبی جهان‌شمول و با توجه به نیازهای انسان در تمامی ادوار زمانه بر کاغذ رانده است. حکایات و داستان‌ها و اشعاری که تا امروز نیز حضور خود را در ذهن و ضمیر آدمیان ادامه داده‌اند. چنانکه نخست‌وزیر اسپانیا در دوران بحران کرونا در کشورش، برای تأثیرگذاری سخن خود بر مردمش و

۱۹۴۵ را نشان می‌دهد. این عکس پنج سرباز و یک پزشک جنگی شاغل در نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا را بر تپه سوربیاجی در نبرد ابوجیما طی جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد. این عکس تبدیل به بخشی از عناصر نمادین کشور آمریکا شده است و در هزاران نشریه چاپ شد. همچنین در سال‌های بعد از این اتفاق، فیلم سینمایی «پرچم‌های پدران ما» به کارگردانی کلینت ایستوود با همین موضوع ساخته شد. یکی دیگر از این نمونه‌ها که با استفاده از عناصر بصری هنر تبدیل به یکی از نمادهای ملی شوروی شده، عکسی مربوط به سال ۱۹۴۵ و اشغال برلین توسط روس‌هاست که سرباز از ارتش سرخ را نشان می‌دهد که در حال بالا بردن پرچم اتحاد جماهیر شوروی بالای برج برلین است.

به کارگیری پرچم به عنوان یکی از عناصر نمادین کمتر در آثار ایرانی دیده شده است اما وقتی این عنصر نمادین به گونه در موقعیت‌های دراماتیک یک اثر جای می‌گیرد، صحنه‌های غرورآفرینی برای نمایش یک اثر شکل خواهد داد. به عنوان نمونه در فصل چهارم سریال «پایتخت»، که شاید کمتر به آن اشاره شده باشد، لحظه‌ای داریم که نقی معمولی پیروز مبارزه کشتی می‌شود و پرچم ایران را بالا می‌آورد یا در سکانس پایانی فیلم «شیار ۱۴۳»، مادر شهیدی بر سر تابوت فرزندش نشسته است و پرچم را کنار می‌زند و استخوان‌های فرزند شهیدش را بیرون می‌آورد. کارگردان نقش و نگار پرچم ایران را به استخدام روایت صحنه‌های احساسی فیلم گرفته است.

نمایش نمادها و هويت ملي در آثار ایرانی نیازمند ظرافت‌هایی است که زیاد آشکار نباشد و توی ذوق مخاطب نخورد. در واقع هنرمندان باید با به کارگیری هنری که دارند بتوانند به هدف خود که انتقال هويت ملي است، دست یابند و از طرفی دیگر احساسات مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار دهند. نمونه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد و اتفاق تازه‌ای هم است، نصب بیلپوردهایی مربوط به جام جهانی در میدان ولیعصر است. این دیوارنگاره با تصویری از بدرقه اعضای تیم ملی فوتبال توسط اسطوره‌های ایران است و همبستگی و قدرت ایرانی‌ها را به نمایش می‌گذارد. سرود ملی یکی دیگر از نمادهایی است که بازنمایی از هويت و وحدت یک کشور است. در ایران سرود ملی بیانگر همبستگی و وحدت مردم است. از طرفی دیگر سرود ملی ایران یک سنتی از موسیقی ایرانی است، یعنی شعر آن به گونه‌ای نوشته شده و ریتمی دارد که به موسیقی اصیل ایرانی برمی‌گردد و حامل موسیقی سنتی ایران است.

## کیانا تصدیق مقدم خبرنگار گروه فرهنگ

اینکه یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی بیانات رهبر انقلاب در دیدار با بسیجیان واژه «ایران» باشد، نکته جدید و تازه‌ای نیست اما نکته حائز اهمیت سخنان ایشان در دیدار پنجم آذرماه، تأکید دوباره بر مفهوم هويت ملي و ایران است. اینکه عمده دشمنی‌هایی که می‌شود به خاطر تضعیف ایران مقتدر است و اینکه هیچ ایرانی باغبیری و نه لزوماً ایرانی طرفدار جمهوری اسلامی، حاضر نمی‌شود در مقابل باج‌خواهی‌های آمریکایی کوتاه بیاید. تأکید قابل تأملی که ایران و ایرانی بودن را واجد ویژگی‌های خاصی می‌داند که اگر بدون غرض ورزی سیاسی و با چشم یک انسان زیسته در جغرافیای فرهنگی ایران به مسائل نگاه کند، قطعا تحلیلی متفاوت از وقایع و اتفاقات خواهد داشت. اما مگر این جغرافیای فرهنگی ایران چیست و هويت ملي درون مرزهای این خاک، چگونه و با چه ابزاری یک انسان ایرانی را شکل می‌دهد؟ اصلا این قواعد و اصول ایرانی بودن چیست که اگر کسی آن را زیر پا گذشت، باید به ایرانی بودنش شک کرد؟ در گزارش پیش رو سراغ بررسی مولفه‌هایی رفتیم که می‌توانند بازنمایی از هويت یک ملت باشند و در اهمیت حفظ هويت ملي ایرانی این سوال را طرح کردیم که دستگاه‌های فرهنگی چگونه می‌توانند با هدف تحکیم هويت و وحدت ملي، اهداف و سیاست‌های خود را مبتنی بر مفهوم ایران و ایرانی طراحی و تدوین کنند.

## نمادهای ملی ایران

در هر کشوری نمادهایی وجود دارد که بیانگر ارزش‌های آن ملت است. در بیشتر مواقع این نمادها برآمده از یک سنت و آیین دیرینه است که قصه اسطوره‌های هر ملت را روایت می‌کند. در واقع نمادهای ملی عاملانی هستند که در شناسایی هويت هر کشور به کشور دیگر مورد توجه قرار می‌گیرند. این نمادها ممکن است به شکل بصری و گفتاری باشد. در روزگار ما پرچم‌ها یکی از مهم‌ترین عناصر نمادین برای اجتماعات انسانی است. پرچم هر کشوری نماد افتخار، هويت ملي و نشانه‌ای برای شناخت کشور در عرصه‌های بین‌المللی و ابزاری برای نشان دادن همبستگی مردم است. برای مثال عکسی وجود دارد که بالا بردن پرچم در ایوو جیما در ۲۳ فوریه

